

# تحلیلی بر ضرورت ساماندهی و استقرار کارگاههای مزاحم شهری (مطالعه موردی: کوی معلم و ساربان محله شهر بجنورد)

منیژه محمدی

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری  
manizhehmohammadi97@gmail.com

تاریخ دریافت: 1394/8/14

تاریخ پذیرش: 1394/9/20

## چکیده

بارشد شتابان شهرنشینی از زمان وقوع انقلاب صنعتی در نیمه قرن هیجدهم، انواع مزاحمتها و آلودگی‌های ناشی از استقرار پاره‌ای از واحدهای تولیدی، صنعتی و خدماتی در داخل شهرها مطرح گردید. به گونه‌ای که امروزه بسیاری از برنامه‌ریزان و مسئولان مدیریت شهری آن را از معضلات جدی فراروی توسعه شهری تلقی می‌کنند. از این رو نظریه پردازان علوم برنامه‌ریزی و اقتصاد شهری تاکید ویژه‌ای بر حرکت هدفمند، در راستای استقرار و توسعه صنایع، در شهرها را دارند. امروزه ساماندهی شهری در مقابله با روند نابهنجار توسعه شهری، ضروری و اجتناب ناپذیر تلقی می‌شود. از این رو پژوهش حاضر باهدف ضرورت ساماندهی صنایع و کارگاههای مزاحم شهری تدوین شده است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و در راستای دستیابی به اهداف و فرضیات مطرح در این پژوهش اطلاعات مورد نیاز از طریق منابع کتابخانه‌ای و میدانی از طریق تنظیم پرسشنامه گردآوری و به منظور آزمون فرضیات از روش‌های آماری آزمون کای اسکوئر ناپارامتریک، آزمون مان-وایتنی، تحلیل همبستگی (اسپیرمن، کای اسکوئر) با استفاده از نرم افزار SPSS به تحلیل و پردازش داده‌ها پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که کارگاهها و صنایع شهری در کاهش میزان رفاه و آسایش شهروندان و همچنین افزایش آلودگی‌های محیط شهری تاثیر گذار می‌باشد.

واژگان کلیدی: ساماندهی، کارگاه‌های مزاحم شهری، آلودگی زیست محیطی، شهر بجنورد

## مقدمه

به دنبال انقلاب صنعتی کشورهای جهان برای تقویت ساختاری خود به توسعه صنایع و کارگاه‌های صنعتی در کشورهای خود پرداختند (توکلی، 1379:159). اما از آنجا که رشد و گسترش شهر و شهرنشینی همراه با فعالیت‌های صنعتی بوده است، این همراهی و همزیستی از یکسو امکان اشتغال و رشد اقتصادی را برای شهروندان به ارمغان آورده است و از سوی دیگر به دنبال افزایش جمعیت و رفع نیازها صنایع و کارگاه‌ها، شهروندان را در معرض آلودگی هوا، خاک، صوت، فاضلاب و بصری قرار داده است (مدهوشی، 1386:24). همزمان با رشد سریع جمعیت شهرها، صنایع و کارگاه‌ها نیز فزونی یافته‌اند. آنچه در این میان جای اندیشه دارد، حضور صنایع و کارگاه‌های مزاحم در بافت مسکونی و فعالیت آنها در این بافت است (روزبهان، 1387:82). حضور کارگاه‌های مزاحم می‌تواند بر میزان آلودگی‌های شهرها بیفزاید و خطرات ناشی از این آلودگی‌ها را بیشتر کند. ایجاد سر و صدا تجمع زائدات و ضایعات سد معبر گره ترافیکی پخش ذرات، بوی نامطبوع ایجاد لرزش دود و آلودگی هوا از آلودگی‌های است که این کارگاه‌ها بوجود آورده‌اند (43 Auty, 2007). به گونه ای که سلامت شهروندان با این آلاینده‌ها مورد تهدید جدی قرار گرفته است که برخی از آثار آنها عبارتند از: بیماری‌های سرطانی، بیماری‌های تنفسی، حساسیت‌های پوستی و چشمی. برخی از مواد شیمیایی تولید شده به وسیله کارگاه‌های تولیدی، خدماتی و صنعتی، فاقد بو و غیرقابل رؤیت هستند (تقوایی و شیخ بگلو، 1386:86). از این رو نظریه‌پردازان علوم برنامه‌ریزی و اقتصاد شهری تاکید ویژه‌ای بر حرکت هدفمند، در راستای استقرار و توسعه صنایع، در شهرها را دارند (Benard, 2008, 58).

پراکندگی ناموزون کارگاه‌های مزاحم در بافت شهر و مکان‌گزینی نامناسب آنها مشکلات زیادی را در زمینه عملکرد آنها در سطح شهر بجنورد بوجود آورده است که در آینده با توجه به توسعه سریع شهر اثرات این پراکندگی نامناسب هرچه بیشتر نمایان خواهد شد. پراکندگی ناموزون صنایع و کارگاه‌های مزاحم در سطح شهر سبب شده تا محیط شهری عاری از مشخصه‌های ضروری محیط زیست شهری یعنی آسایش ایمنی سلامتی مطلوبیت کارایی و سازگاری باشد. از این رو این پژوهش در راستای پاسخ گویی به فرضیه‌های زیر تدوین شده است.

- بین کارگاه‌های شهری با میزان رفاه و آسایش ساکنین رابطه معناداری وجود دارد.
- بین کارگاه‌های مزاحم شهری با میزان آلودگی‌های زیست محیطی رابطه معناداری وجود دارد.

## روش تحقیق

نوع تحقیق کاربردی - توسعه‌ای می‌باشد و روش انجام آن به صورت توصیفی - تحلیلی و میدانی است. در راستای دستیابی به اهداف مورد نظر در این پژوهش اطلاعات مورد نیاز به روش اسنادی و پیمایشی از طریق تنظیم پرسشنامه جمع آوری گردیده است. در تحقیق حاضر دو نوع پرسشنامه طراحی شد یک نوع پرسشنامه برای سوال از مردم که شامل خانوارهای ساکن در ناحیه مورد مطالعه و نوع دیگر برای سوال از افرادی که در کارگاه‌های مزاحم در شهر کار می‌کنند طراحی گردید. برای تعیین پایایی پرسشنامه‌های مورد استفاده در این تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای این دو پرسشنامه، به ترتیب برابر 79% (پرسشنامه ساکنین) و 83% (پرسشنامه کارفرمایان) می‌باشد که هر دو مقادیر بدست آمده، نشان از پایایی قابل قبول برای پرسشنامه‌ها است. در پژوهش حاضر حجم نمونه براساس فرمول کوکران محاسبه گردید. براساس نتایج فرمول کوکران از بین 350 خانوار ساکن در محله مورد مطالعه، 80 خانوار و از بین 200 کارگاه، 70 کارگاه به عنوان حجم نمونه برآورد گردید. نمونه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش نمونه‌گیری تصادفی ساده است. به منظور آزمون فرضیات از روش‌های آماری آزمون کای اسکوئر ناپارامتریک، آزمون مان- وایتنی، تحلیل همبستگی (اسپیرمن، کای اسکوئر) با استفاده از نرم افزار *SPSS* به تحلیل و پردازش داده‌ها پرداخته شده است.

## پیشینه تحقیق

رسول فرجام (1380) در تحقیق خود با بررسی وضعیت ساماندهی کارگاه‌های مزاحم شهری در کرمانشاه به این نتیجه رسید که با توجه به سرو صدای ناشی از فعالیت‌های صنعتی، بوی ناخوشایند، آلودگی آب، آلودگی منظر و آثار زیان بار آن بر زندگی شهری و ناسازگاری صنایع و کارگاه‌های مزاحم از سطح محدوده مورد مطالعه ساماندهی و انتقال آنها امری ضروری می‌باشد. در اثر این انتقال 27/7 هکتار از اراضی این محدوده از زیر بار این کاربری‌ها آزاد شد. ایشان پیشنهاد دادند که فقط صنایع و کارگاه‌هایی می‌توانند در محدوده فعلی به فعالیت پردازد که دسترسی مستقیم شهروندان به آن ضروری است و یا دارای ناسازگاری کم با بافت مسکونی می‌باشد.

احمد زنگانه و محمد سلیمانی (1384) در مقاله‌ای با عنوان الگوی استقرار صنایع شهری «نمونه موردی: شاهین شهر» اصول و معیارهای مکان‌یابی صنایع در شهر، سطح‌بندی صنایع شهری براساس ویژگی‌های

مختلف آنها، ملاحظات کالبدی صنایع شهری، اصول و معیارهای مکان‌یابی صنایع شهری و الگوی توسعه و توزیع فضایی شهر مورد بررسی قرار گرفته است.

- مهرباب فلسفی زاده (1385) در پایان نامه خود با عنوان "ساماندهی صنایع و کارگاه‌های مزاحم شهری در منطقه 4 شیراز" به دسته بندی صنایع کارگاهی براساس میزان مزاحمت و آلایندگی به صنایع مجاز، مشروط و غیرمجاز، به ضوابطی برای ساماندهی آنها در داخل شهر و یا انتقال به خارج از محدوده شهری پرداخته است. در نهایت راهبردهای ساماندهی در قالب تثبیت صنایع و کارگاه‌های غیر مزاحم (مجاز) ساماندهی صنایع مشروط (شهری) اما مزاحم و جابه‌جایی صنایع غیرمجاز را ارائه داد.

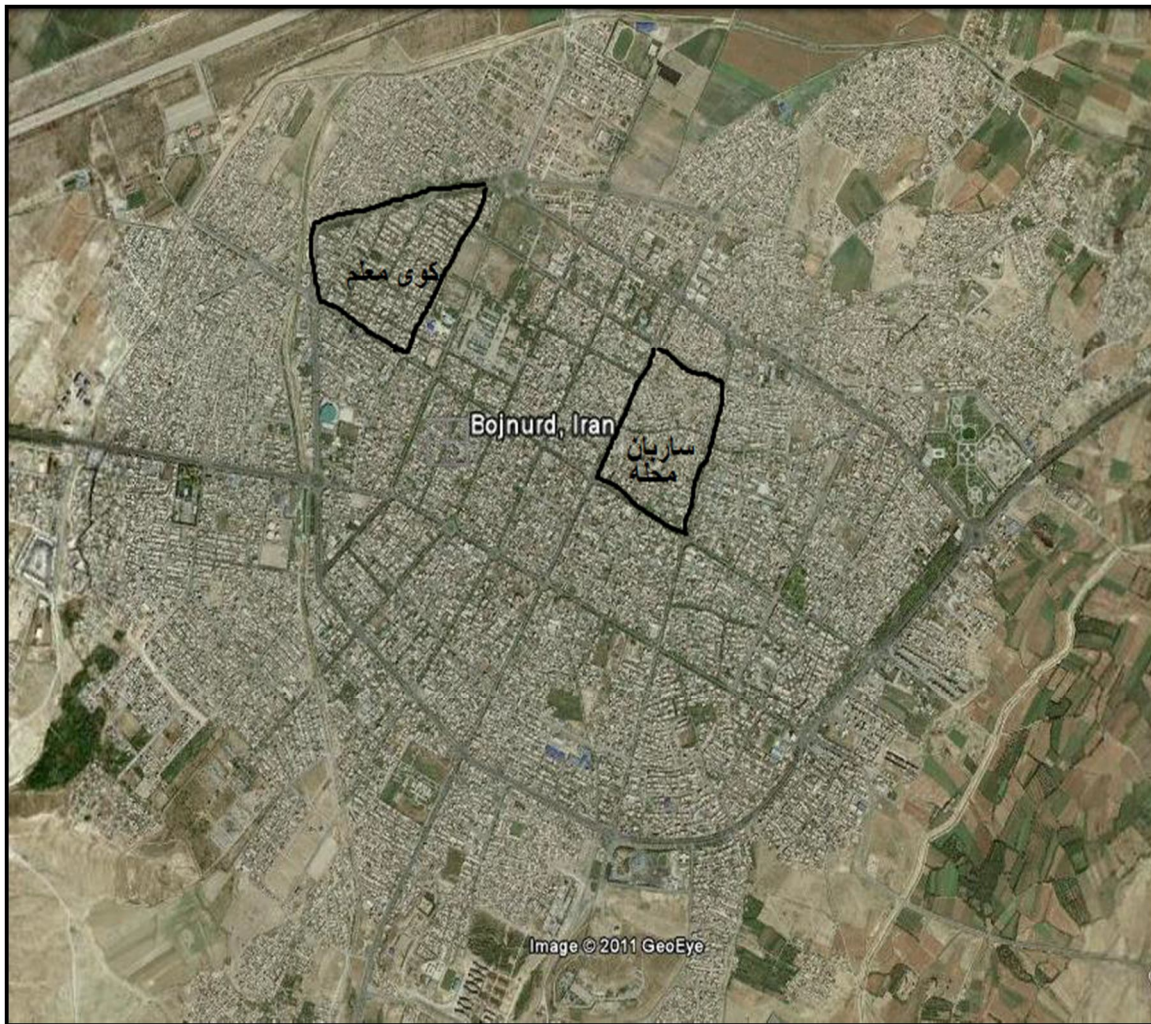
- روح‌الله میرزازاده (1386) در پژوهشی تحت عنوان "ساماندهی فضایی صنایع و کارگاه‌های مزاحم شهری" به بررسی وضعیت موجود کاربری اراضی شهری نابسامان و همچنین مهمترین هدف آن دستیابی به الگوی ساماندهی تجمیع صنایع و کارگاه‌های مزاحم شهری به صورت شهرک یا شهرک‌های صنعتی پایدار بوده است.

- شهرداری شیراز (1388)، پروژه با نام "مطالعات مشاغل آلاینده و مزاحم شهری در شیراز" با همکاری و مشاوره مرکز مطالعات توسعه و فناوری دانشگاه صنعتی اصفهان، به بررسی و مطالعه طرح ساماندهی مشاغل آلاینده و مزاحم شهر شیراز پرداخته‌اند. مسائل و مشکلات ساماندهی مشاغل شهری را می‌توان به سه دسته بنیادی، علمی - فنی، مدیریتی - اجرایی تقسیم نمود. در این تحقیق با توجه به شرح خدمات تعریف شده دسته دوم و سوم از مشکلات مورد توجه قرار گرفته‌اند.

- جایگزین و استقرار بهینه کاربری صنایع مزاحم در تهران (1389)، مطالعه موردی حوزه 2، صنعتی تهران. در این رساله علاوه بر مطالعات جغرافیایی و مقدماتی، مطالبی پیرامون شناسایی صنعت، طبقه‌بندی فعالیت‌های صنعتی، ارزیابی خصوصیات تکنولوژیک صنایع، بررسی آثار صنعت در حیات شهری، بررسی اثرات آلودگی صنایع و نیز تعیین معیارهای استقرار و جایگزین صنایع مطرح شده است

### محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه در این پژوهش دو محله ساربان محله و کوی معلم شهر بجنورد می باشد. ساربان محله بر روی تپه ای مرتفع و در بخش شمالی شهر و شمال شرق بافت قدیم شهر قرار دارد. کوی معلم در طول 30 سال اخیر توسعه یافته و شکل گرفته است. در شکل زیر محدوده های مورد مطالعه نمایش داده شده است.



شکل شماره 1- محدوده مورد مطالعه

## مبانی نظری

ساماندهی به معنای بررسی و شناخت ویژگیها و مشخصه‌های شهر و ارتباط آنها با مسائل شهری و ارائه الگوی پیشنهادی در جهت رفع آلودگی و مزاحمت صنایع و مشاغل است (فرجام، 1380: 55). در ساماندهی، شناخت روابط ماهوی پدیده مورد بررسی اهمیت اساسی دارد. ساماندهی به دنبال تأسیس و ایجاد چیزی نیست بلکه هدف آن اصلاح مناسبات وضع موجود و چیدمان دوباره پدیده و مطلوب کردن شرایط موجود است. قابل ذکر است که کلیه عوامل فوق، پس از مسأله آلایندهی صنایع قرار دارند. بدین مفهوم که نخست میزان آلودگی صنایع مدنظر قرار می‌گیرد و چنانچه از نظر قوانین مربوط به محیط زیست، این صنایع اجازه

استقرار در شهر یافتند، می‌توان در چارچوب این شاخص‌ها، به تعیین و دسته‌بندی آنها پرداخت (میرزازاده، 1387:42). از دیدگاه نظریه سیستمی و برنامه‌ریزی راهبردی، اقدام برای ساماندهی صنایع، نوعی فرآیند تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا محسوب می‌شود که عناصر اصلی آن را تعیین اهداف و تدوین راهبردهای وصول به آنها، تشکیل می‌دهد (پوراحمد و فلاحیان، 1384:92). اهمیت و ضرورت ساماندهی به شرح شکل زیر می‌باشد.



شکل شماره 2- اهمیت و ضرورت ساماندهی مشاغل مزاحم و آلاینده شهر (رمضانعلی، سلطانی، 1390: 5)

اگر چه ساماندهی، مفهومی کلی است و امری زیربنایی نبوده و بیشتر برخورد، تعامل و مواجه شدن با وضع موجود بوجود آمده است، در عین حال پدیده‌ای چند بعدی، بین رشته‌ای گسترده، اثرگذار است. در صورتی که بخواهیم با راهبرد توسعه پایدار به موضوع ساماندهی صنایع و مشاغل دست یابیم، ناگزیر به شناخت تمام ابعاد، ویژگی‌ها، زمینه‌ها و جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و ... می‌باشیم (خلیلی، 1381:2). ابعاد ساماندهی به شرح زیر می‌باشد:

### ابعاد اقتصادی ساماندهی

با توجه به اینکه مهم‌ترین وجه، وجود و حیات بنگاه‌های صنعتی و خدماتی، بُعد اقتصادی آنهاست، هرگونه دخالت در وضع موجود این واحدها هر چند با نام و هدف سامان بخشی باشد، تأثیرات اقتصادی زیادی را به دنبال خواهد داشت. میزان سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در حوزه کسب و کار و صنعت، میزان ارزش محصولات تولیدی، ارزش افزوده بخش صنعت و بازرگانی بر اقتصاد شهر از جمله عوارض دریافتی توسط شهرداری‌ها و ارزش و اهمیت صادرات محصولات صنعتی، وسعت زمین‌های شهر و حومه که به اشغال صنایع و مشاغل درآمده‌اند، همگی بیانگر اهمیت موضوع و ده‌ها شاخص دیگر حاکی از اهمیت اقتصادی پدیده ساماندهی در شهر است (طاهرخانی، 1388:13). یکی از مولفه‌های تأثیرگذار بر بعد اقتصادی ساماندهی، مولفه ساماندهی کاربری تجاری شهری می‌باشد. نماد اصلی هر شهر کسب و کار در آن است. طراحان و برنامه‌ریزان شهری، در برنامه‌ریزی‌ها به کار و فعالیت به عنوان یکی از سه ضلع اصلی مثلث شهر می‌نگرند (دو ضلع دیگر، سکونت و تفریح است). بخش اصلی کارهای تجاری در کاربری‌های تجاری رخ می‌دهد. کاربری تجاری در طرح جامع و تفصیلی جایگاه مهمی دارد و هرگونه اعمال روش برای ساماندهی بویژه از دیدگاه تجاری پراهمیت خواهد بود (حسینی‌نژاد، 1388:81).

چنانچه یکی از اهداف ساماندهی، رسیدگی به وضعیت مجاز بودن کاربری، محلی است که بعنوان کارگاه یا مرکز تجاری مشغول فعالیت است، درخواهیم یافت که تعداد زیادی از فعالیت‌های تجاری در کاربری غیرتجاری انجام می‌گیرد. بنابراین ساماندهی واحدهای غیرمجاز تا حد زیادی به روشن شده وضعیت تجاری املاک منتهی شده و حقوق شهروندان از این طریق قابل حصول خواهد بود (خسروی، 1383:23).

### ابعاد اجتماعی ساماندهی

همانگونه که وجود واحد صنفی، صنعتی و بطور کلی مشاغل و فعالیتها در شهر خاستگاه اجتماعی داشته و کارکرد آنها با زمینه‌های اجتماعی مرتبط بوده و اثرات اجتماعی گسترده‌ای دارد، پدیده ساماندهی هم دارای ابعاد اجتماعی است. آغاز پدیده ساماندهی با نیاز و تقاضای مردم، ساکنان و شهروندان است (رمضانعلی و سلطانی، 1389: 51).

- روابط بین مردم و مسئولان و مدیران شهری بعنوان یکی از جنبه‌های اجتماعی در این خصوص مهم است.  
- روابط پیچیده بین ساکنان و ذینفعان کارگاه واحدهای تجاری و مراکز صنعتی بویژه در مناطق مرکزی و قدیمی شهر بویژه به هنگامی که تعدادی از ساکنان نیز بعنوان کارکنان یا صاحبان این واحدها باشند، باعث می‌شود که موضوع ادامه فعالیت واحدها به گونه‌ای با زندگی و معیشت افراد گره بخورد (شماعی، علیزاده، نادری‌منش، 1388: 13).

### ابعاد زیست محیطی ساماندهی

هرگونه فعالیت صنعتی، تجاری آثار زیست محیطی بر شهر دارد. بسته به حجم فعالیتها محل استقرار، کاربری‌های مجاور، نوع مواد مصرفی و فرآیندهای صنعتی، میزان آثار و پیامدهای آنها بر محیط زیست متفاوت می‌باشد. یکی از دلایل اصلی ساماندهی صنایع و مشاغل (گاه مهم‌ترین دلیل) پیامدهای ناشی از کارکرد صنایع و کارگاهها بر محیط زیست می‌باشد. الزام‌های قانونی، حساسیت و آسیب‌پذیری محیط زندگی مردم و درخواست شهروندان برپاداشتن شهری سالم و پاکیزه از عواملی است که جنبه‌های زیست محیطی ساماندهی را بارز می‌کند. از آنجائی که مراکز صنعتی در گذشته خارج از شهر بوده و به دلیل گسترش شهر از یک سوء لزوم افزایش تولید از سوی دیگر باعث تداخل فعالیت‌های حساس با فعالیت‌های کارگاهی شده است. بنابراین امر ساماندهی ضرورت ناخواسته‌ای یافته است. بارگذاری بیش از اکولوژیکی سرزمین، توسعه شهر از طریق جذب نیروی کار و اشتغال، افزایش وابستگی و ماشینی شدن زندگی و رشد ناموزون از معایب دیگر است (دفتر محیط زیست، 1383: 70). از صنایع و مشاغل موجود می‌توان با شناخت توان فنی، تولیدی و گستره وسیع آنها برای حل مشکلات زیست محیطی شهر کمک گرفت. با استفاده از ظرفیت‌های فناوری در این بخش و طراحی انواع کاهنده‌های آلاینده‌ها، طرح‌های دفع پسماند، تصفیه فاضلاب تأمین زیرساخت‌های صنعتی و فنی می‌توان بهره‌گیری کرد (رحمانی، 1385: 136).



### ابعاد بهداشتی ساماندهی

از دیدگاه بهداشتی، امر ساماندهی دارای چند وجه است. به دلیل مشکلات زیربنایی در زمینه بهداشت، از جمله عدم آگاهی کافی و نبود اعتقاد راسخ صاحبان و کارکنان بخش صنعت و تجارت و خدمات، همچنین هزینه‌های زیاد تأمین و رعایت موازین بهداشتی و عدم توان یا اولویت نداشتن موضوع از نگاه صاحبان صنایع و مشاغل، اغلب مراکز تجاری، کارگاهی دارای مشکل بهداشت اعم از بهداشت محیط و بهداشت حرفه‌ای می‌باشند. با انجام ساماندهی صنایع و مشاغل بصورت توأم مسأله خطرات بهداشتی ناشی از آنها نیز تا حدود زیادی مرتفع می‌شود. پیشگیری از انتشار فاضلاب و پساب آلوده، تجمع مواد زاید جامد، زمینه‌های آلودگی مواد غذایی و محصولات تولیدی و کنترل حشرات و حیوانات مضر همگی از منافع بهداشتی امر ساماندهی است. به هنگام انتقال نیز، مکان‌های قبلی بازسازی شده و به مشاغل غیرآلاینده تبدیل می‌شوند. همچنین از نظر تصفیه فاضلاب، شبکه جمع‌آوری آب‌های سطحی، پسماند و مواد زاید جامد و ساختمان‌های مناسب‌تر در شهرک‌ها و مجتمع صنفی، تمهیدات کافی اندیشیده و بکار برده می‌شود (غفاری، 1388:80).

یکی از ابزارهای لازم برای ساماندهی که دارای جنبه‌های بهداشتی نیز می‌باشد، رواج نظام‌های استاندارد (ISO) می‌باشد. بویژه در واحدهای ماندگار در شهر که همواره بخشی از تأکیدات ماموران شهرداری در بخش ساماندهی امور بهداشتی بوده، به نهادینه شدن جنبه بهداشتی در امر ساماندهی منتهی می‌شود (غفرانی، 1374:42).

### ابعاد ساماندهی از دیدگاه ایمنی و حفاظت

اغلب فعالیت‌های خطرآفرین به دلیل نوع کار و ماهیت آنها مزاحم و آلاینده می‌باشند. بنابراین با هدف کنترل و کاهش آلاینده‌ها و مزاحمت‌ها، موضوع ناایمنی هم مورد توجه قرار می‌گیرد. سهم زیادی از آتش‌سوزی‌ها و انفجارها، به دلیل نامناسب بودن سیم‌کشی کارگاه، فقدان بازدیدهای دوره‌ای، نبود زمان و وسایل کافی برای کنترل حریق و عدم مهارت، آموزش و سرعت عمل کارکنان در مقابل حوادث رخ می‌دهد. ساماندهی صنایع و مشاغل با توجه به دسته‌بندی میزان خطرناکی و شدت ناایمنی اولویت بندی می‌شود. در خصوص مواد خطرناک و اماکن پرخطر، اقدام‌های عاجل و همه جانبه صورت می‌گیرد. مراکزی که وسعت خطر آنها برای شهر است در اولویت قرار می‌گیرند. محصولات تولیدی خطرآفرین انبارهای نگهداری مواد شیمیایی، مواد قابل احتراق، همگی در اولویت‌های بالا قرار می‌گیرند (غفاری، 1388:59).

## ابعاد فرهنگی ساماندهی

در میان مؤلفه‌های تأثیرگذار در ساماندهی صنایع و مشاغل، اگر جنبه فرهنگی مهم‌ترین نباشد، حداقل یکی از عوامل مهم و مؤثر است (رمضانعلی و سلطانی، 47:12389):

- عدم وجود فرهنگ مشارکت و همکاری بین‌بخشی در میان دستگاه‌های متولی و اجرایی این مسأله که در سایر امور (به غیر از ساماندهی) نیز خودنمایی می‌کند، عملاً روند اجرای طرح‌ها و پروژه‌های ساماندهی را کند کرده و گاه به تعطیلی می‌کشاند.

- بی‌اعتمادی صاحبان صنایع و مشاغل که اغلب از درست اجرا نشدن طرح‌ها، ناقص ماندن آنها، تغییرات پی‌درپی مدیریت‌ها و اعمال سلیقه‌های مختلف تا فراهم نشدن زمینه‌های اجرایی و تسهیلات و در نظر نگرفتن منافع حیاتی آنها عملاً تعارض منافع گروهی و عمومی مشکل دیگری است که باعث مقاومت این افراد در برابر طرح‌های ساماندهی می‌شود.

- وجود فرهنگ‌های مختلف در میان فعالان بخش صنعت و صنف که به دلیل تفاوت‌های قومی، سطح سواد، مهارت‌های اجتماعی، گروه‌های سنی و سایر مؤلفه‌های فرهنگی اجتماعی، تأثیرگذار می‌باشد، باعث شده که علاوه بر تفاوت دیدگاه‌ها و عملکرد گروه‌بندی‌های خاص در برخی مشاغل شهری بوجود آید.

- میزان شناخت کارکنان بخش صنعت و صنف از قوانین، ضوابط و مقررات در اغلب بخش‌ها بویژه ساماندهی بسیار اندک می‌باشد (طاهرخانی، 11:1388).

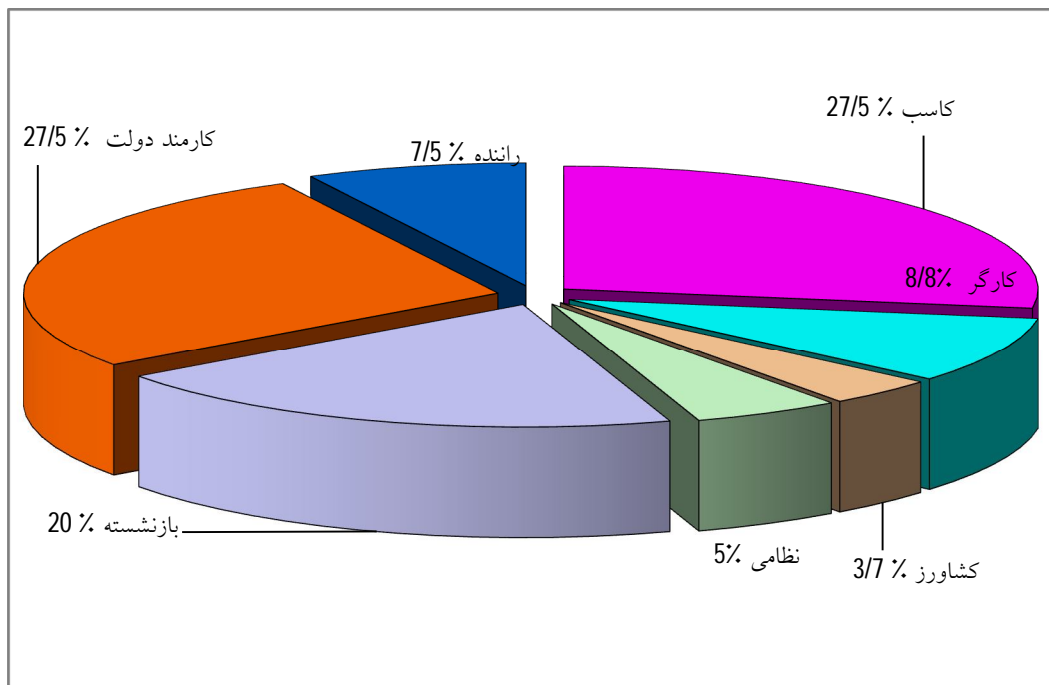
- لزوم حضور جوانان، افراد تحصیل کرده و نسل جدید در واحدهای صنفی و صنعتی است که با دارا بودن نگرش‌های امروزی، سطح بالاتر تحصیلات، اشتیاق و انگیزه‌ی بالاتر، به نظر امکان تحقیق اهداف ساماندهی را میسرتر می‌سازند (همان: 35).

- آموزه‌های دینی، باورهای مذهبی و اعتقادات صاحبان و کارکنان صنایع و مشاغل به مبانی دینی است. بر مبنای آموزه‌های دینی هرگونه مردم‌آزاری و مزاحمت برای دیگران مردود بوده و تأکیدهای زیادی مبنی بر عدالت و پرهیز از بداخلاقی‌های صنفی (کم‌فروشی، احتکار و...) شده است. بر مبنای قاعده‌ی "لاضرار" می‌باشد.

## یافته‌های تحقیق

### یافته‌های توصیفی

از بین ساکنان، 16/3 درصد را مردان و بالغ بر 83/7 درصد را زنان تشکیل می‌دهند. از کل حجم نمونه برای ساکنان بر حسب میزان سن، 17/5 درصد در گروه سنی بین 20-29 سال، 25 درصد 30-39 سال، 35 درصد در گروه سنی بین 40-49 سال، 12/5 درصد بین 50-59 سال، 7/5 درصد 60-69 سال و 2/5 درصد در گروه سنی بالاتر از 70 سال قرار دارند. با توجه به این مطالب مشاهده می‌شود که گروه سنی بالاتر از 70 سال با 2/5 درصد در پایین‌ترین رده و گروه سنی 40-49 سال با 35 درصد در بالاترین رده قرار دارند. وضعیت شغلی پاسخگویان در بین ساکنان در 5 گروه کارگر، کشاورز، نظامی، بازنشسته، راننده، کاسب و کارمند دولت مورد ارزیابی قرار گرفته است که نتایج آن در نمودار 1 نشان داده شده است. این نمودار نشان می‌دهد که از کل حجم نمونه در بین ساکنان 27/5 درصد کارمند دولت، 7/5 درصد راننده، 27/5 درصد کاسب، 8/8 درصد کارگر، 3/7 درصد کشاورز، 5 درصد نظامی و 20 درصد بازنشسته بوده‌اند.



شکل شماره 3- نمودار توزیع درصد شغل آزمودنی‌ها

یافته‌های استنباطی

آزمون فرضیه اول

فرض تحقیق ( $H1$ ):

به نظر می‌رسد بین کارگاه‌های مزاحم شهری با میزان رفاه و آسایش ساکنین رابطه معناداری وجود دارد.

فرض صفر ( $H0$ ):

به نظر می‌رسد بین کارگاه‌های مزاحم شهری با میزان رفاه و آسایش ساکنین رابطه معناداری وجود ندارد. از متغیرهای میزان دسترسی ساکنان به خدمات شهری موجود در منطقه مسکونی، میزان رضایت ساکنان از منطقه مسکونی، آسایش و رفاه، در مقیاس ترتیبی به منظور آزمون فرضیه اول استفاده شده است.

جدول شماره 1- معرفی متغیرهای مورد بررسی برای اثبات فرضیه اول

عنوان	متغیرها	مقیاس
متغیرهای مورد بررسی برای اثبات فرضیه اول	1- دسترسی ساکنین به خدمات شهری	ترتیبی
	2- میزان رضایت ساکنین از منطقه مسکونی	ترتیبی
	3- میزان آسایش و رفاه	ترتیبی

جهت بررسی و ارزیابی رابطه بین «نقش کارگاه‌های مزاحم و چالش‌های فرا روی آن» با متغیر «میزان رضایتمندی ساکنان» از آزمون‌های همبستگی اسپیرمن و ناپارامتریک من- وایتنی، استفاده گردید. نتایج حاصل از تحلیل همبستگی اسپیرمن که برای سنجش رابطه متغیرهای رتبه‌ای میزان رضایتمندی مردم و سهولت دسترسی به فضاهای مختلف شهری در ناحیه مورد مطالعه از آن استفاده گردید، نشان می‌دهد که؛ بین دو متغیر مذکور (سهولت دسترسی و میزان رضایتمندی ساکنان)، همبستگی معناداری در سطح 99 درصد وجود دارد. به طوری که نتایج حاصل از آمارهای توصیفی نیز نشان می‌دهد؛ ساکنان مناطقی که از سهولت دسترسی به خدمات و امکانات مختلف شهری برخوردار بوده، از درجه و میزان رضایتمندی بالاتری برخوردار می‌باشند (جدول 2).

جدول شماره 2- بررسی رابطه بین سهولت دسترسی و بهم ریختگی منظر شهری با میزان رضایتمندی مردم: آزمون اسپیرمن

متغیرها	مقیاس	مقدار همبستگی	سطح معناداری
1- سهولت دسترسی‌های مختلف	ترتیبی	0/371	0/001 **
2- میزان رضایتمندی ساکنان	ترتیبی		
3- بهم ریختگی نما و منظر شهری	ترتیبی	-0/208	0/045 *
4- میزان رضایتمندی ساکنان	ترتیبی		

\*: معناداری در سطح 95 درصد      \*\*: معناداری در سطح 99 درصد

بهم ریختگی نما و منظر شهری بدلیل استقرار نامناسب کارگاه‌ها موجب کاهش رضایتمندی شهروندان در ناحیه مورد مطالعه می‌گردد. در همین راستا، نتایج حاصله از تحلیل همبستگی اسپیرمن حاکی از آن است که بین بهم ریختگی نما و منظر شهری و میزان رضایتمندی کم ساکنان همبستگی معناداری در سطح 95 درصد وجود داشته (جدول 2)، لیکن بدلیل مقدار همبستگی بدست آمده (-0/208)؛ رابطه بین این دو متغیر از نوع همبستگی معکوس بوده است. مناطقی که از مسئله بهم‌ریختگی نما و منظر شهری برخوردار می‌باشند، ساکنان آن مناطق از میزان رضایتمندی کمی برخوردار می‌باشند، بر این اساس توجه بیش از پیش به این مهم در راستای ساماندهی کارگاه‌ها و به تبع آن ایجاد نما و منظر زیبای شهری توسط مسئولان و مدیران شهری امری اجتناب ناپذیر می‌باشد و از حیث زیست محیطی، باید مامن سالمی را برای شهروندان فراهم نمایند.

به منظور تدقیق و تبیین مطالب مذکور و با عنایت به نما و منظر بهتر کوی معلم در مقایسه با ساریان محله، میزان رضایتمندی شهروندان در دو محله موردنظر با استفاده از آزمون مان وایتنی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته‌اند. به نحوی که نتایج حاصله نشان دهنده تفاوت معنادار بین آنها از نظر سهولت دسترسی و بهم ریختگی نما و منظر شهری تا سطح 99 درصد می‌باشد. یا به عبارت دیگر میزان رضایتمندی شهروندان در کوی معلم بسیار بالاتر از ساریان محله است و میانگین رتبه‌ای مولفه‌های سهولت دسترسی به امکانات و خدمات شهری و نما و منظر شهری در کوی معلم بالاتر از ساریان محله است و علت این مورد را می‌توان در پایین بودن تراکم و تعداد کارگاه‌ها و صنایع مزاحم شهری در درون بافت‌های مسکونی کوی معلم نسبت به ساریان محله جستجو نمود. با این وصف ساماندهی و بازسازی بسیاری از محله‌های شهری که با چنین مسئله‌ای مواجه‌اند با رعایت استانداردهای تعیین شده و مصوب وزارتین راه و شهرسازی و وزارت کشور به منظور ساماندهی و نوسازی محله‌های شهری توسط شهرداری، امری ضروری و اجتناب ناپذیر است.

در راستای تصدیق مطالب اخیر و نیز جهت بررسی میزان رضایتمندی ساکنین دو منطقه شهری مورد مطالعه، از مولفه‌های سهولت دسترسی فضاهای شهر و بهم ریختگی منظر شهری، نتایج حاصل از آزمون من- وایتنی نشان می‌دهد که؛ بین دو منطقه مذکور به لحاظ دو متغیر اخیر، تفاوت معناداری در سطح 0/01 وجود دارد. به طوری که ساکنین منطقه کوی معلم، در هر دو مولفه اخیر، رضایتمندی بیشتری از ساکنان منطقه ساریان محله داشته و این مسئله را می‌توان در پایین‌تر بودن تراکم و تعدد کارگاه‌ها و صنایع مزاحم شهری در درون بافت‌های مسکونی منطقه کوی معلم و توجه بیشتر مسئولین شهر به نما، منظر و رعایت نسبتاً بهتر مکان‌یابی کاربری‌ها در کنار یکدیگر در محله کوی معلم دانست (جدول 3).

جدول شماره 3- مقایسه رضایتمندی ساکنان از سهولت دسترسی و بهم ریختگی منظر شهری در دو منطقه

متغیر	منطقه	میانگین	Mann-Whitney	Z	سطح معناداری
سهولت دسترسی به فضاهای شهری	ساریان محله	3/3	455/000	-3/527	0/000 **
	کوی معلم	4/7			
بهم ریختگی نما و منظر شهری	ساریان محله	1/1	393/000	-4/774	0/000 **
	کوی معلم	2/8			

\*\* : معناداری در سطح 99 درصد

از دیگر مولفه‌های مورد بررسی به منظور تعیین میزان رضایت شهروندان در پیرامون کارگاه‌های مزاحم، تراکم بالای کاربری‌های کارگاهی است. برای تعیین نوع و میزان روابط این متغیرها نیز از تحلیل همبستگی اسپیرمن و آزمون مان- وایتنی استفاده شد. گفتنی است آمارهای توصیفی (فراوانی‌ها) نیز موید این مطلب است که اکثر ساکنان از تراکم بالای کاربری‌های کارگاهی، رضایتمندی بسیار کمی داشته‌اند (جدول 4).

جدول شماره 4- وضعیت رضایتمندی ساکنین از تراکم کاربری‌های کارگاهی در دو منطقه شهری

متغیر	منطقه		میزان رضایتمندی ساکنین				
			خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم
تراکم بالای کاربری‌های کارگاهی	کوی معلم	فراوانی	3	8	12	4	3
	کوی معلم	درصد	10	26/7	40	13/3	10
ساریان محله	فراوانی	فراوانی	0	1	19	13	17
	ساریان محله	درصد	0	2	38	26	34

مأخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از تحلیل همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد که بین تراکم کاربری‌های کارگاهی و میزان رضایتمندی شهروندان همبستگی معناداری در سطح 99 درصد وجود داشته، لیکن با توجه به مقدار منفی همبستگی؛ می‌توان گفت که همبستگی بین دو متغیر معکوس می‌باشد. به طوری که هر چه تراکم کاربری‌های کارگاهی بالاتر باشد، میزان رضایتمندی مردم کمتر بوده و بالعکس؛ در مناطقی که تراکم صنایع کارگاهی کمتر بوده، میزان رضایتمندی ساکنان بیشتر می‌باشد (جدول 5).

جدول شماره 5- رابطه بین تراکم کاربری‌های کارگاهی و میزان رضایتمندی ساکنین

متغیرها	مقیاس	مقدار همبستگی	سطح معناداری
1- میزان تراکم کاربری‌های کارگاهی	ترتیبی	-0/271	0/003 **
2- میزان رضایتمندی ساکنان	ترتیبی		

\*\* : معناداری در سطح 99 درصد

همچنین به منظور تدقیق مطالب اشاره شده و نیز جهت بررسی میزان رضایتمندی ساکنان در دو منطقه کوی معلم و ساریان محله به لحاظ تراکم کاربری‌های کارگاهی، از آزمون مان-وایتنی استفاده شد و نتایج نشان می‌دهد که؛ میزان رضایتمندی ساکنان منطقه کوی معلم با توجه به وسعت و تراکم کمتر کارگاه‌ها و توجه بیشتر مدیران و برنامه‌ریزان به نما و منظر شهری در این منطقه، بیشتر از ساکنان منطقه ساریان محله بوده و تفاوت معناداری در سطح 99 درصد بین دو منطقه وجود دارد (جدول 6).

جدول شماره 6- مقایسه رضایتمندی ساکنان از تراکم کاربری‌های کارگاهی در دو منطقه مطالعاتی

متغیر	منطقه	میانگین	Mann-whitney	Z	سطح معناداری
میزان تراکم کاربری کارگاهی	ساریان محله	4/9	385/500	3/853	0/000 **
	کوی معلم	3/4			

\*\* : معناداری در سطح 99 درصد

یکی دیگر از مولفه‌های مورد بررسی به منظور تعیین میزان رضایت شهروندان در پیرامون کارگاه‌های مزاحم، توجه به فضای سبز و مبلمان شهری است. برای تعیین نوع و میزان روابط این متغیرها نیز از آزمون-

های ناپارامتریک اسپیرمن و مان- وایتنی استفاده گردید. به طوری که نتایج حاصل از آزمون اسپیرمن موید این نکته است که بین توجه به فضای سبز و مبلمان شهری با میزان رضایتمندی ساکنان رابطه معناداری در سطح 95 درصد وجود دارد (جدول 7).

جدول شماره 7- همبستگی بین توجه به فضای سبز و مبلمان شهری با میزان رضایتمندی ساکنین

متغیرها	مقیاس	مقدار همبستگی	سطح معناداری
1- توجه به فضای سبز و مبلمان شهری	ترتیبی	0/706	0/043 *
2- میزان رضایتمندی ساکنین	ترتیبی		

\* : معناداری در سطح 95 درصد

نتایج حاصل از آزمون مان- وایتنی در خصوص میزان رضایتمندی ساکنان از توجه به فضای سبز و مبلمان شهری از سوی مسئولین شهر، نشان می‌دهد که؛ بین دو منطقه کوی معلم و ساریان محله تفاوت معناداری وجود نداشته (جدول 8)، به گونه‌ای که میانگین‌های بدست آمده از طریق آزمون‌های مان- وایتنی نشان دهنده عدم تفاوت معنادار بین رضایتمندی مناطق مذکور می‌باشد. ولی پایین بودن میانگین‌ها، رضایتمندی پایین دو منطقه را (پایین‌تر از حد متوسط یعنی،  $1/4$  و  $1/7$ ) از مولفه اخیر نشان می‌دهد. به طوری که مسئله عدم توجه به مولفه‌های اخیر از سوی مدیران و برنامه‌ریزان شهری (بویره شهرداری بجنورد)، یکی از عوامل موثر در کاهش میزان رضایتمندی ساکنان هر دو منطقه شهری مورد مطالعه می‌باشد (جدول 8).

جدول شماره 8- مقایسه رضایتمندی مردم از توجه به فضای سبز و مبلمان شهری در دو منطقه

متغیر	منطقه	میانگین	Mann- whitney	Z	سطح معناداری
میزان رضایت ساکنان از فضای سبز	ساریان محله	1/47	741/000	-0/338	- 0/736 ns
	کوی معلم	1/76			

ns: عدم معناداری

به طور حتم یکی دیگر از عوامل و مولفه‌های تاثیرگذار در میزان رضایتمندی ساکنین شهری احساس رفاه و آسایش آنان از مناطق مسکونی خود می‌باشد. لذا جهت بررسی توجه به این امر مهم و وجود رابطه میان این



دو مولفه از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده گردید. به طوری که نتایج حاصل از تحلیل همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد که میان مولفه احساس رفاه و آسایش ساکنین با میزان رضایتمندی آنان از مناطق مسکونی خود رابطه معناداری در سطح 99 درصد وجود دارد (جدول 9).

جدول شماره 9- بررسی همبستگی میان آسایش و رفاه با میزان رضایتمندی ساکنین

متغیرها	مقیاس	مقدار همبستگی	سطح معناداری
1- وجود آسایش و رفاه ساکنان	ترتیبی	0/459	0/000**
2- میزان رضایتمندی ساکنان	ترتیبی		

\*\* : معناداری در سطح 99 درصد

جهت بررسی و ارزیابی میزان اهمیت و اثرگذاری هر یک از مولفه‌ها و متغیرهای چالش‌زا در مناطق مسکونی مورد مطالعه از آزمون ناپارامتریک کای اسکوئر استفاده گردید (جدول 10). نتایج حاصل از این آزمون حاکی از آن است که بیشتر ساکنان در پیرامون کارگاه‌های مزاحم شهری، مولفه‌های عدم سهولت دسترسی، تراکم بالای کارگاه‌ها، عدم آسایش، بهم ریختگی نما و منظر شهری را بعنوان چالش‌های اساسی ذکر نموده‌اند؛ به طوری که میزان تاثیرگذاری هر یک از این مولفه‌ها به عنوان چالش‌های فراروی مناطق مسکونی شهر، با سطح معناداری 99 درصدی موید مطالب یاد شده است.

جدول شماره 10- ارزیابی میزان اثرگذاری چالش‌های مختلف کارگاه‌های شهری

نتیجه		سطح معناداری	درجه آزادی (df)	Chi-square	متغیرها
رد	تایید				
*	✓	0/004**	4	93/500	عدم سهولت دسترسی ...
*	✓	0/000**	4	203/750	تراکم بالای کارگاه‌ها ...
*	✓	0/001**	3	104/100	بهم ریختگی منظر شهری

\*\* : معناداری در سطح 99 درصد

در یک ارزیابی کلی از نتایج حاصل از تمامی بخش‌های مطروحه برای اثبات فرضیه اول می‌توان در قالب یک جمع بندی نهایی، به صورت جدول 11 عمل نمود.

جدول شماره 11- نتایج بخش‌های مختلف جهت اثبات فرضیه اول

نتیجه		آزمون	بخش
رد	تأیید		
*	✓	رابطه معنادار است	1- بین سهولت دسترسی و میزان رضایتمندی ساکنین
*	✓	رابطه معنادار است	2- بین تراکم کاربری‌های کارگاهی و میزان رضایتمندی ساکنین
*	✓	رابطه معنادار است	3- بین توجه به فضای سبز و مبلمان شهری با میزان رضایتمندی ساکنین
*	✓	رابطه معنادار است	5- بین توجه به نما و منظر شهری با میزان رضایتمندی ساکنین
*	✓	رابطه معنادار است	6- بین رضایتمندی ساکنین و میزان آسایش و رفاه مناطق مسکونی

مأخذ: یافته‌های پژوهش

بنابراین با توجه به نتایج جدول فوق فرضیه اول یا فرض  $H1$  مبنی بر اینکه بین کارگاه‌های مزاحم شهری و با میزان رفاه و آسایش خانوارها رابطه معناداری وجود دارد تایید گردیده، به طوری که بین کارگاه‌های مزاحم شهری (اعم از مکان‌یابی نادرست کارگاه‌ها با میزان رفاه و آسایش پایین ساکنین (میزان رضایتمندی پایین مردم) رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین فرض  $H0$  رد می‌شود.

آزمون فرضیه دوم:

فرض تحقیق  $H1$ :

به نظر می‌رسد بین کارگاه‌های مزاحم شهری با میزان آلودگی‌های زیست محیطی رابطه معناداری وجود دارد.

فرض صفر  $H0$ :

به نظر می‌رسد بین کارگاه‌های مزاحم شهری با میزان آلودگی‌های زیست محیطی رابطه معناداری وجود ندارد.

در این فرضیه نیز از متغیرهای میزان آلودگی‌های کارگاه‌های مزاحم شهری در منطقه مسکونی در مقیاس ترتیبی استفاده شده است. به طور حتم یکی از عوامل موثر در میزان آسایش و رضایتمندی ساکنان مناطق مسکونی یک شهر، مربوط به شرایط زیست محیطی و آلودگی‌های ناشی از کارگاه‌های مزاحم شهری واقع در مناطق مختلف شهری است. در همین راستا نتایج حاصل از آزمون همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد که بین میزان آلودگی صوتی، با میزان آسایش و رضایتمندی مردم تا سطح 95٪ رابطه معناداری وجود دارد. لیکن با توجه به مقدار منفی

همبستگی؛ می‌توان گفت که همبستگی بین دو متغیر معکوس می‌باشد. به به طوری که هر چه میزان آلودگی صوتی، افزایش یابد میزان رضایتمندی مردم کمتر بوده و بالعکس. همچنین بین میزان آلودگی هوا با میزان رضایت مردم تا سطح 99٪ رابطه معناداری وجود دارد. براین اساس می‌توان ادعان داشت که وجود کارگاههای مزاحم باعث سلب آسایش مردم می‌شود. همچنین نتایج حاصله نشان می‌دهد که هیچگونه آلودگی آب و خاک در مناطق مورد مطالعه ملاحظه نشده است (جدول 12). به عبارت دیگر وجود کارگاههای تولیدی و خدماتی مزاحم در مناطق مسکونی مورد مطالعه یکی از عوامل موثر در ایجاد و تولید انواع آلودگی‌ها بوده و متعاقباً آلودگی‌های ناشی از آنها نیز، از عوامل مهم در بروز نارضایتی ساکنین مناطق شهری مورد مطالعه می‌باشد.

جدول شماره 12- بررسی رابطه همبستگی بین انواع آلودگی‌ها و میزان رضایتمندی مردم

متغیرها	متغیر دوم	مقیاس	مقدار همبستگی	سطح معناداری
میزان رضایتمندی ساکنان	1- آلودگی صوتی	ترتیبی - ترتیبی	- 0/165	0/044 *
	2- آلودگی هوا	ترتیبی - ترتیبی	- 0/705	0/003**
	3- آلودگی آب و خاک	ترتیبی - ترتیبی	- 0/242	0/405 ns

\*: معناداری در سطح 95 درصد    \*\*: معناداری در سطح 99 درصد    ns: عدم معناداری

جدول شماره 13- مقایسه میزان انواع آلاینده‌های ناشی از کارگاه‌ها در دو منطقه شهری

متغیر	منطقه	میانگین	Mann- whitney	Z	سطح معناداری
آلودگی صوتی	ساریان محله	4/9	609,000	- 2/149	0/032 *
	کوی معلم	3/7			
آلودگی هوا	ساریان محله	4/4	546,500	- 2/477	0/013 *
	کوی معلم	3/1			
آلودگی آب و خاک	ساریان محله	3/7	730,500	- 0/387	0/699 ns
	کوی معلم	3/7			

\*: معناداری در سطح 95 درصد    ns: عدم معناداری

اطلاعات مندرج در جدول 13 نشان دهنده تفاوت معنادار در میزان آلودگی صوتی و آلودگی هوا در دو منطقه کوی معلم و ساربان محله می باشد، نتایج نشان دهنده آلودگی بیشتر صوتی و هوا در منطقه ساربان محله نسبت به منطقه کوی معلم است. همانطور که مشاهده می شود میانگین آلودگی صوتی برای منطقه ساربان محله 4/9 به دست آمده است که تقریباً تمام پاسخگویان اظهار آلودگی زیاد و بسیار زیاد در این منطقه نموده اند. ولی در منطقه کوی معلم آلودگی صوتی کمتر است. در مورد آلودگی هوا نیز، همانند آلودگی صوتی، میانگین بدست آمده برای منطقه ساربان محله 4/4 بیشتر از منطقه کوی معلم با میانگین 3/1 می باشد. در رابطه با آلودگی آب و خاک عدم تفاوت معنادار به دست آمده است در واقع می توان گفت تفاوت معنادار بین دو منطقه ساربان محله و کوی معلم در مورد دو مولفه اخیر وجود ندارد.

از طرفی نتایج حاصل از آزمون ناپارامتریک کای اسکوئر حاکی از آن است که بیشتر ساکنان در پیرامون کارگاه های مزاحم شهری، آلودگی هوا، آب و خاک را بعنوان چالش های اساسی ذکر نموده اند؛ به طوری که میزان تاثیرگذاری هر یک از این مولفه ها به عنوان چالش های فراروی مناطق مسکونی شهر، با سطح معناداری 99 درصدی موید مطالب یاد شده است (14).

جدول شماره 14- ارزیابی میزان اثرگذاری چالش های مختلف کارگاه های شهری؛ آزمون ناپارامتریک کای اسکوئر

متغیرها	Chi-square	درجه آزادی (df)	سطح معناداری
آلودگی صوتی	68/450	1	0/000**
آلودگی هوا	57/300	3	0/000**
آلودگی آب و خاک	33/375	4	0/002**

\*\* معناداری در سطح 99 درصد

جدول شماره 15- نتایج بخش های مختلف جهت اثبات فرضیه دوم

نتیجه	آزمون	بخش	رد	تأیید
			*	✓
	رابطه معنادار است	1- بین آلودگی صوتی با میزان رضایتمندی ساکنین در دو منطقه	*	✓
	رابطه معنادار است	2- بین آلودگی هوا با میزان رضایتمندی ساکنین در دو منطقه	*	✓
	رابطه معنادار نیست	3- بین آلودگی های آب و خاک با میزان رضایتمندی ساکنین در دو منطقه	✓	*

با توجه به جدول 15 که نتایج بخش‌های مختلف در آن ذکر شده است فرضیه دوم « به نظر می‌رسد بین کارگاه‌های مزاحم شهری با میزان آلودگی‌های زیست محیطی رابطه معناداری وجود دارد» مورد تایید قرار می‌گیرد.

## نتیجه گیری

توسعه شهری، همراه با «توسعه صنعتی» ملازم و همراه بوده است، به نحوی که می توان گفت این (ملازمت شهر و صنعت) موثرترین عامل در شکل گیری نظام کالبدی- فضایی شهرها و حومه ها محسوب می شود که عوارض متنوع و مختلفی به بار آورده است. برپاداشتن نسنجیده صنایع، یعنی بدون در نظر گرفتن شرایط محیطی و اقلیمی از جهت وزش باد، کیفیت خاک و تمامی مسائل مربوط به آب گرفته، تا موضوع آلودگی صوتی، دسترس پذیری و مانند آنها، می تواند در جنبه های گوناگون زیست محیطی شهر، چون هوا، آب، خاک، جانوران و گیاهان، سکونتگاه های انسانی و سلامتی و بهداشت مردم تأثیر جدی برجای نهد. ساماندهی به مفهوم انتقال و خروج صنایع و خدمات کوچک از شهرها می باشد. بنابراین فرایند ساماندهی صنایع و خدمات شهری، موضوعی اقتصادی، زیست محیطی یا کالبدی و فنی نیست، بلکه نوعی برنامه ریزی شهری و فضایی محسوب می شود که با عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیطی و کالبدی بستگی نزدیک دارد. با توجه به یافته های پژوهش و نتایج حاصل شده از آزمون فرضیات مورد نظر در این پژوهش می توان به این مطلب اذعان داشت که کارگاهها و صنایع شهری در کاهش میزان رفاه و آسایش شهروندان و همچنین افزایش آلودگی های محیط شهری تأثیر گذار می باشد و از این رو پیشنهاداتی به شرحی که خواهد آمد، ارائه می گردد:

## راهکارهای پیشنهادی

### راهکارهای کلی ساماندهی کارگاه‌های مزاحم شهری

- \* الگوی ساماندهی مشاغل باید برگرفته از طرح جامع و طرح تفصیلی باشد.
- \* تعیین ضوابط خواص از جنبه‌های مختلف مترائز، بهداشت، تصفیه و آلودگی صوتی و هوا و... در زمان صدور پروانه‌های کسب توسط اتحادیه‌ها و شهرداری
- \* ارائه تسهیلات ویژه به صاحبان مشاغل آلاینده برای ایجاد انگیزه برای انتقال این مغازه‌ها
- \* جذب سرمایه گذاری‌های بخش خصوصی در ایجاد مجتمع صنعتی برون شهری
- \* آموزش و فرهنگ‌سازی صنوف مزاحم و آلاینده برای امر انتقال
- \* مصرف انرژی پاک برای صنایع و کارگاه‌ها و استفاده از گاز طبیعی در مقایسه با سوخت‌های فسیلی
- \* استفاده از ظرفیت‌های قانونی متنوع در برنامه‌های ساماندهی مانند؛ قانون نظام صنفی، محیط زیست، قانون حریم صنفی و سقف تعداد صنوف.
- \* اخذ جریمه و عوارض از مشاغل و کارگاه‌هایی است که به نوعی باعث ایجاد آلاینده‌گی (آلودگی‌های صوتی، هوا و آب - خاک) و مزاحمت برای شهروندان می باشند، در جهت حذف و یا کاهش آلاینده‌گی و یا اینکه مکان شغل خود را تغییر و در مکانی متناسب با آن شغل استقرار یابند.
- \* زیباسازی فضای کار و فعالیت در توجه به نما و منظر شهری
- \* ایجاد تعادل میان فضا و فعالیت و میزان تراکم کاربری‌ها

### راهکارهای عمومی جهت ساماندهی کارگاه‌های مزاحم در شهر بجنورد

- \* افزایش توان مالی کارفرمایان برای انتقال به مجتمع‌های صنفی - خدماتی
- \* افزایش توان مالی اعضای اتحادیه برای ساخت مجتمع‌های صنفی - خدماتی
- \* بالابردن سطح دانش و آگاهی صاحبان واحدهای صنفی
- \* کاهش و حذف واحدهای صنفی بدون پروانه
- \* وجود تجربه و پیش زمینه ایجاد تعاونی ساماندهی در مجمع امور صنفی
- \* ایجاد سیستم جامع اطلاعاتی مناسب از صنوف در شهر و تعیین موقعیت مکانی آن‌ها
- \* تعیین جایگاه صنوف در بهره برداری از تسهیلات مالی استان و شهرستان

- \* ایجاد همکاری و هماهنگی ارگان‌های مرتبط با ساماندهی
- \* افزایش توجه سرمایه‌گذاری شهرداری به مقوله ساماندهی
- \* استفاده سازمان‌های مرتبط از نظرات و مشارکت اتحادیه‌ها در ارتباط با ساماندهی
- \* همکاری شهرداری با اتحادیه‌ها برای دریافت کردن یا تخفیف در هزینه‌های تغییر کاربری و عوارض
- \* وجود نگاه کلان به ساماندهی و تجربیات موجود در طرح ساماندهی

### راهکارهای تجربی جهت ساماندهی کارگاه‌های مزاحم در شهر بجنورد

در این بخش با توجه به یافته‌های تحقیق و بررسی نظرات و دیدگاه‌های کارفرمایان و ساکنان شهر

بجنورد به ارائه راهکارهایی در جهت ساماندهی مشاغل در این شهر پرداخته می‌شود:

- \* ایجاد المان‌های شهری در هر دو محله کوی معلم و ساریان محله؛ به علت پایین بودن میزان رضایتمندی ساکنان این محلات از نما و منظر شهری. به گونه‌ای که سطح رضایتمندی ساکنان نواحی مذکور خیلی کم ارزیابی شده است.
- \* ایجاد فضاهای باز شهر (نظیر محل‌های اجتماع، میدانها، زمین‌های ورزشی و...) در محله ساریان محله؛ به علت تراکم زیاد کارگاه‌های مزاحم در این محله با ایجاد فضاهای مذکور، میزان سرانه آنها افزایش یافته، در نتیجه میزان رضایتمندی بیشتر خواهد شد..
- \* احداث و نگهداری فضای سبز به خصوص در ساریان محله؛ در صورت عدم وجود زمین خالی، در این زمینه می‌توان با تغییر کاربری برخی اراضی به فضای سبز، به تلطیف هوا در ساریان محله کمک شایانی نمود.
- \* تعریض معابر و پیاده‌روها در هر دو محله و اختصاص حداقلی از زمین کارگاه‌ها به معابر جهت سهولت در رفت و آمد ساکنان نواحی مذکور.
- \* تعطیلی کارگاه‌ها در ساعات استراحت ساکنین 5-1 بعد از ظهر که این امر تا حدی سبب می‌شود آسایش و رفاه ساکنین تامین گردد.
- \* تبدیل انرژی مصرفی کارگاه‌ها از سوخت فسیلی به انرژی الکتریسیته در محله ساریان محله، با توجه به اینکه بیش از 10% کارگاه‌های مستقر در این محله از سوخت فسیلی نظیر گازوئیل استفاده می‌کنند.



\* دارا بودن کارگاههای مستقر در محله ساربان محله و کوی معلم به دستگاههای تصفیه آب؛ نکته جالب توجه در این زمینه فقدان سیستم تصفیه آب در تمام کارگاهها می باشد..

\* دریافت عوارض و مالیات بیشتر از کارگاههای فاقد سیستمهای تصفیه آب و هوا از سوی سازمانهای متولی امور شهری به ویژه شهرداری و در نظر گرفتن حداقلی از معافیتهای مالیاتی برای کارگاههای دارای این گونه سیستمها

## فهرست منابع

- 1- تقوایی، مسعود، شیخ بیگلر، رعنا، اسحاق دواتگر، لیلا (1389)، بررسی و تحلیل آلودگی های ناشی از مشاغل شهر اصفهان، سال سی و ششم، شماره 56.
  - 2- رحمانی، علیرضا، (1385) حضور صنایع در شهرها (باید و نبایدها)، دانشگاه تهران.
  - 3- رمضان زاده، حبیب الله (1375)، معیارهای مکان یابی و برنامه ریزی فضایی - کالبدی شهرکهای صنعتی نمونه موردی شهرک صنعتی قائم شهر، پایان نامه کارشناسی ارشد شهرسازی، گروه معماری و شهرسازی دانشگاه تهران.
  - 4- شهرداری شیراز (1388)، مطالعات مشاغل آلاینده و مزاحم شهری در شیراز، صص 24-36.
  - 5- طاهرخانی، مهدی (1380)؛ نقش نواحی صنعتی در توسعه مناطق روستایی، مطالعه موردی استان مرکزی، پایان نامه دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس.
  - 6- غفرانی، سعید (1374)، الگوی بهینه استقرار صنایع و مشاغل مزاحم شهری، مطالعه موردی حوزه 2 صنعتی تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه های مهماری و شهرسازی دانشگاه تهران، صص 41.
  - 7- فرجام، رسول، (1380) ساماندهی و استقرار بهینه صنایع و کارگاه های مزاحم شهری (شهر کرمانشاه)، پژوهش های جغرافیایی، شماره 40، مهرماه، صص 40
  - 8- کریستی ویلسن، ج؛ (1382) تاریخ صنایع ایران، ترجمه عبدالله فریار، ناشر وزارت معارف و اوقاف و صنایع متفرقه،
  - 9- لنگرودی، سیدحسن (1384)، جغرافیای اقتصادی ایران (صنایع)، مشهد؛ جهاد دانشگاهی مشهد، صص 11-18.
  - 10- لنگرودی، سیدحسن، نجفی کانی، علی اکبر (1390)، توسعه و صنعتی سازی (نظریه ها، روش ها، و راهبردهای توسعه صنعتی)، دانشگاه تهران.
  - 11- میرزازاده، روح الله (1386)، ساماندهی فضایی صنایع و کارگاه های مزاحم شهری، دانشگاه شهید بهشتی.
  - 12- نصیری، اسماعیل، (1388) بهره وری صنایع کارگاهی کوچک و تأثیر آن بر توسعه شهری «شهر بومهن»، مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال اول، شماره اول.
- 13-Auty” R. 2007. “Industrial Policy REFORM in Six Large Newly Industrializing Countries: The Resource Curse Thesis. P:4-12**
- 14-benard. Ha-joon. 2008 “The Political economy of industrial policy. London: Macmillan. P:1-8**
- 15-John plender, 2004, A stske in the future, NB publishing Co. p:4-5**